

جلسه هفتم

مدت زمان: ۵۱ دقیقه

مکان: حسینیه ارشاد

سلام علیکم و رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

اولاً تبریک عرض می‌کنم ایام پربرکت ماه ذی‌حجه، از یک سو ولادت باسعادت امام هادی علیه السلام و از طرف دیگر هم عید الله الاکبر، عید سعید غدیر ان شاء الله بر همه شما، بر همه دوستان امیرالمؤمنین مبارک باشد. خب خاطر نازنین‌تان باشد بحث ما در باب غیبت امام عصر علیه السلام در مجموعه معارف مهدوی بود. یک بحث مبنایی داشتیم راجع به چیستی غیبت، غیبت امام علیه السلام، یک بحث هم داشتیم راجع به چرایی. بعد گفتیم خب به چگونگی غیبت هم مقداری بپردازیم، خلاصه مطلب در بخش سوم این شد که جریان غیبت به صورت دفعی اتفاق نیفتاد، بلکه به تدبیر الهی به صورت تدریجی انجام شد. تا جامعه آمادگی غیبت امام علیه الصلاة و السلام را داشته باشد. خب غیبت صغری یا آن غیبت کوتاه‌تر در واقع آن بخش اصلی این مقدمه‌سازی محسوب می‌شود. بعد از این که در دوران امام هادی علیه السلام، در دوران امام عسگری علیه السلام به نوعی زمینه‌سازی انجام شده و از قبل هم موضوع غیبت دائم مطرح می‌شد ولی جدی‌ترین بخش مقدمه‌سازی برای ورود به این دوران کاملاً متفاوت عبارت است از دوران غیبت صغری. جلسه گذشته در این باره نکته‌های اصلی را محضران عرض کردیم، ارتباط با امام علیه الصلاة و السلام از طریق نمایندگان خاص آن حضرت برقرار است. امکان مکاتبه وجود دارد، امکان مراجعه بعضی از افراد خاص به حضور خود حضرت فراهم هست. دشواری خاصی هم دارد یعنی برای نمایندگان امام علیه السلام در این دوران یک دوره فوق‌العاده سخت و پیچیده است که این کار به عهده چهار شخصیت بزرگوار که معروف شدند به نواب اربعه این قضیه انجام شد و آن دوران به سلامت و عافیت به سرانجام رسید و به این ترتیب دوران غیبت کبری و غیبت تام آغاز شد که در این دوره دیگه ارتباط مکاتبه‌ای قطع، دیدار حضوری دیگه وجود ندارد، نایبان خاص هم دیگه وجود ندارند. یعنی غیبت دیگه به تمام معنای کلمه است. خب ما الان هم چنان در ادامه این دوران داریم زندگی می‌کنیم. به نظرم برای جلسه امروز که فرصت مختصری هم داریم من به یک سؤال پاسخ بگویم باز هم به طور مختصر فقط جوانب مسأله را خدمت‌تان تقدیم می‌کنم تا به امید خدای متعال در جلسه بعد ما یک بحث نسبتاً مفصل‌تری در باب دوران غیبت کبری ان شاء الله خواهیم داشت که شرایط فعلی‌مان هست و شاید مهم‌ترین بحث‌های ما در باب معارف مهدوی هم مربوط به همین موضوع می‌شود. و اما آن سؤالی که به نظر می‌رسد خوب است ما امروز یک مراجعه‌ای به آن داشته باشیم این است که از وقتی که بحث غیبت مطرح شد مخصوصاً بحث غیبت کبری به همین معنا غیبت تام، خب این سؤال مطرح بوده دیگه از اول که نحوه استفاده و بهره‌مندی از وجود امام علیه الصلاة و السلام در این ایام چگونه است. یعنی وقتی شما دسترسی ندارید، مستقیم خدمت خود حضرت نمی‌رسید، با او نمی‌توانید گفتگو کنید، با او نمی‌توانید دیدار کنید، با او نمی‌توانید مکاتبه کنید. این ارتباط‌ها که وجود ندارد به همان معنای خاص غیبت، خب در این شرایط ما چگونه از وجود امام علیه السلام بهره‌مند می‌شویم. این سؤال مطرح بوده. لذا از همان اول که موضوع غیبت مطرح شده این سؤال بلافاصله مطرح شده در زمان خود پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم که حضرت مطرح کردند همان وقت هم این سؤال مطرح شد خب پس چگونه ما بهره‌مند می‌شویم از امام علیه السلام. هیچ تصویری نبود از این که ما وقتی به امام دسترسی نداریم بتوانیم از او فیض و بهره هم ببریم.

خب یک پاسخ مطرح شده که این را همه شما مکرر شنیدید و پاسخ خیلی تمثیلی جالبی هست دیگه، از همان اول این مطرح شد و آن این بود که فرمودند شما باید تفاوت بگذارید بین حضور و ظهور. ظهور نیست، غیبت است. اما حضور هست. و به این ترتیب برکات امام علیه الصلاة و السلام در جامعه و جهان جاری است. مثالی هم که انتخاب کردند در همان بیان نبوی هست فرمودند مثل خورشید پشت ابر است. یعنی فقط مسأله مسأله استتار است و الا امام علیه السلام هست، نورافشانی هست، درخشش انوار حجت خدا هست، برکات وجودی اش هست ولی مستور است. این در دسترس نبودن یعنی همان غایب بودن به معنای حاضر نبودن نیست، به معنای ظاهر نبودن است. خب این در کلمات اولیاء خدا هست، روایت مشهورش هم از جناب جابر بن عبدالله انصاری است که ایشان می گوید من پرسیدم که آیا شیعیان در عصر غیبت از امام علیه السلام بهره مند می شوند؟ حضرت فرمودند سوگند به کسی که من را به نبوت برانگیخته «إی و الذی بعثنی بالنبوة إیهم لینتفعون به» بهره مند می شوند از وجود امام و از نور ولایت او در غیبتش بهره مند می شوند «کانتفاع الناس بالشمس و إن جلله السحاب» درست مثل این که شما از خورشید بهره مند هستید ولو این که ابر قرص خورشید را مستور کرده باشد. به همین زیبایی پیامبر عظیم الشان پاسخ گفتند به این سؤال.

خب در روایات ما حالا در اطراف این مسأله نکته های جالبی مطرح شده که من آن نکته ها را فهرست وار خدمت عزیزانم عرض می کنم. نکته اول این است که یادمان باشد جایگاه امام در نظام هستی، جایگاه ویژه ای است یعنی نسبت عالم با وجود امام علیه السلام در یک معنا مثل نسبت جسد به روح است، روح عالم است حجت خدا، نور عالم است. لذا براساس این اعتقاد مبنایی که ما داریم که در جای خودش بحث های بسیار عالی و شیرینی هم در موضوع امامت و ولایت هست که ولایت تکوینی است که امام علیه الصلاة و السلام دارد، به این ترتیب اساساً تصور این که ما این نظام برپا باشد، زمین برپا باشد، آسمان برپا باشد، این نظم در جریان باشد ولی حجت خدا نباشد چنین چیزی اصلاً تصور آن وجود ندارد. اگر دقت نظر داشته باشید براساس نظریه ولایت اگر هستیم نشانه اوست، اگر نظمی برپا است نشانه اوست، اگر زمین در فلک خودش برقرار است نشانه حضور اوست و به برکت وجود اوست. این در روایات ما به صورت خیلی روشنی مطرح شده. یک بحث مبنایی یک مقدار دقیق دارد من الان وارد آن بحث نمی شوم، یک مقدار فنی می شود مباحثه که می گویند اصلاً به تعبیر اهل فن می گویند علت غایی آفرینش انسان کامل و وجود امام علیه الصلاة و السلام است. لذا اگر این نباشد یعنی چی؟ یعنی اصلاً دیگه تصویری از وجود این نظم موجود و جهان کنونی و امثال این ها اصلاً وجود ندارد. خب البته بحث های تکمیلی هم دارد. این در کلمات امام علیه الصلاة و السلام هست، شاید برای شما جالب باشد در یک توقیعی از خود حضرت حجة بن الحسن علیه الصلاة و السلام هم هست که فرمودند خلاصه بساط این عالم در اختیار ما هست دیگه. «نَحْنُ صَنَاعُ رَبَّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدَ صَنَاعِنَا» این کلمه ای است که امام علیه الصلاة و السلام نقل شده و اگر بخواهیم ساده شده مسأله را باز از زبان خود اولیاء خدا بخواهیم مطرح کنیم ساده شده اش این است که می گویند با درخواست ولی خداست، با سؤال مستمر اوست که جریان هستی به عنوان اجابت برقرار است. این هم خیلی جالب است. «فَإِنَّهُمْ یَسْئَلُونَ اللّٰهَ تَعَالٰی» اگر آفرینشی هست به درخواست امام است، البته ما توی تعبیر اصطلاحی خودمان می گوییم به دعای امام علیه السلام است. اگر رزقی هست به دعای امام است، «إِجَابَةُ (یا) إِجَابًا لِمَسْأَلَتِهِمْ وَ إِعْظَامًا لِحَقِّهِمْ». این همانی است که در یک کلام دیگری از اولیاء خدا مکرراً نقل شده که «لَوْ لَّا الْحِجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» که اگر حجت نباشد زمین اهل خودش را فرو می خورد. این یعنی به هم می ریزد دیگه، این نظام از دست خواهد رفت. این چیزی که ما می شناسیم از این نظم کیهانی، از این زمین و آسمان و گردش روز و شب و خلقت و خلقت موجودات و این ها همه در یک کلمه به برکت وجود امام و به واسطه او و به یمن حضور اوست که فرد اکمل است و توجیه کننده نظم موجود است که ما از آن به عنوان نظام احسن یاد می کنیم. این در حد این که من می خواستم اشاره ای خدمتتان گفته باشم. بنابراین وقتی می گوییم برکت وجود امام دیگه فرق نمی کند امام

ظاهر باشد یا غایب باشد. آن کلمه‌ای هم که گفت مثل خورشید پشت ابر است، بنابراین هیچ اثری ندارد. روایات در این زمینه هم متعدد است که شاید این روایت حضرت رضا علیه الصلاة والسلام در این زمینه شنیدنی باشد که روایت خیلی صحیح السنّی هم هست در کتاب شریف کافی این آقای حسن بن علی و شاء، ابن و شاء ایشان نقل می‌کند می‌گوید که من از امام رضا علیه الصلاة والسلام پرسیدم آیا زمین بدون امام، به غیر امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: لا. بعد می‌گوید ما بین خودمان که مباحثه می‌کنیم براساس فهمی که از ولایت الهی و جایگاه امام در نظام هستی داریم می‌گوییم خداوند تبارک و تعالی بر بندگانش خشم خواهد کرد، اگر امام نباشد سَخَتَ الهی بندگان را دربر می‌گیرد. امام علیه السلام فرمودند اصلاً باقی نمی‌ماند، نوبت به این جا نمی‌رسد. «قال لا تبقى، اذا لساخت» اصلاً زمینی باقی نمی‌ماند، اهل زمینی باقی نمی‌مانند تا بخواهند مورد احیاناً خشم قرار بگیرند. یعنی حضرت رفتند یک مرحله اساسی‌تر، شبیه این ما روایات فراوان داریم که توی ذهنیت شما هم به نظر آشنا است. «لو لالحجة لساخت الارض بأهلها» اصلاً این تصویری ندارد نبودن امام علیه السلام و بودن آنچه که ما به عنوان نظام هستی در شرایط فعلی مان می‌شناسیم. خب این یک نکته است. مطلب بعدی که متصل به همین مطلب قبلی هست عبارت است از این که حالا شما ببینید توی بعد از توجه به اصل ماجرا، اصل این بقاء به برکت وجود امام حالا بروید سراغ نعمت‌ها، یک باب دیگری داریم که اساساً هرچه که نعمت وجود دارد و به ما می‌رسد این‌ها هم به برکت امام، به دعای امام، به وساطت اوست، که اصطلاحی است دیگر، این اصطلاح را هم شماها شنیدید، می‌گوییم واسطه فیض است دیگر. آن که واسطه فیض امام علیه السلام است که این هم در روایات ما به تفصیل در باره‌اش صحبت شده. یک روایت خیلی زیبا داریم که از امام رضا علیه الصلاة والسلام نقل شده، تمثیلی است من دوست داشتم یک وقتی مثلاً می‌شد این را خیلی به شکل مفصل‌تر به آن پرداخت. در باب حجت در کتاب شریف کافی یک قسمتی داریم احادیث خاص، نوادر در آن جا نقل شده، این حدیث آن جاست که امام خیلی به زیبایی فرمودند الامام كالشمس الطالعة، از یک نظر فرمودند امام مثل خورشید است، در یک بیان دیگر فرمودند مثل ماه است، البته هر کدام را یک توضیحی هم دادند. البدر المنير و السراج الظاهر، در یک تعبیر دیگر فرمودند امام مثل ابر است، ابر پر باران، الماطر، در یک تعبیر دیگر فرمودند مثل باران است، در یک تعبیر دیگر فرمودند مثل آب حیات گوارا است، این‌ها را، همه این نشانه‌های رحمت و لطف الهی را حضرت رضا علیه الصلاة والسلام به کار گرفته برای بیان و معرفی نقش امام و حجت خدا. ادامه هم دارد حالا ان شاء الله اگر دوستان هم دوست داشتند مراجعه بکنند از آن روایت‌های خیلی شیرین در امام‌شناسی است. خب بنابراین یک فصل هم این است. یعنی اگر جناب‌عالی هستید به دعای آن حضرت، به واسطه آن حضرت، به برکت وجود نازنین اوست و هرچه که به شما می‌رسد از خیر و برکت و توی این عالم هست، همه از برکات وجودی حجت خدا است که قطب است، مرکز است، مصدر است، و مظهر نور الهی است. یعنی هرچه که می‌رسد این واسطه فیض است. این نگاه یک نگاه فرازمند و البته مستحضر به دلایل عالی عقلی و عرفانی که در جای خودش بزرگان ما این‌ها را مباحثه هم کردند، در جای خودش محفوظ است. روایات ما هم در این زمینه که بالاخره از کلمات اولیاء خدا رسیده فراوان است. در این زیارت شریفه جامعه کبیره که از امام هادی علیه السلام نقل شده، یک تعبیر زیبایی دارید دیگر، می‌گویید اولیاء النعم، وقتی در مقام زیارت خطاب به حضرت می‌گویید. این جا یک روایت خیلی زیبایی من یادداشت کردم از امام صادق علیه الصلاة والسلام باز در همین کتاب شریف کافی هست، حضرت یک تعبیرهای خیلی زیبایی دارند تا می‌رسند به این جا که فرمودند «بِنَا أُثْمِرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أُيْنَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ» اگر خلاصه رودی در جریان است، اگر بارانی می‌بارد، اگر درختی به ثمر می‌نشیند، این‌ها همه‌اش به وسیله ما است. یک تعبیر زیبایی هم پایانش دارد که «وَبِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَ لَوْ لَأ نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ.» اگر جریان عبادت الهی و فهم توحیدی و معرفت حق تبارک و تعالی در زندگی انسان‌ها هست و اگر کسانی خدای متعال را عبادت می‌کنند باز از طریق ما است که این معرفت منتشر شده، این ارتباط شکل گرفته و عبادت اگر هست باز آن هم از طریق ما است. خب این آن نگاه خاصی که در این روایات هست. بنابراین برگردیم به مسأله. این که می‌گوییم غیبت امام، نحوه بهره‌مندی ما از وجود امام علیه السلام در صورتی که غایب باشند

چی هست، می بینید یک فصل مفصلی از آن توی این توضیحی که عرض کردم پاسخ گفته شده. یعنی مطلب مبنایی این است که امام علیه الصلاة و السلام در واقع مصدر همه زیباییها و کمالات و خیرات، اصل هستی ما تا بالاخره کمال آن، تا هرچه که نعمت هست اینها همه به نوعی به حجت خدا برمی گردد و واسطه فیض است، قطب است، مدار است، محور است. این است. حالا با تعابیر مختلفی که این جا مطرح می شود. بنابراین همه ما بهره مند هستیم؛ چه آنهایی که بدانند، چه آنهایی که ندانند، چه آنهایی که ایمان داشته باشند، چه آنهایی که نداشته باشند، چه آنهایی که بشناسند، چه آنهایی که جاهل باشند همه سر این سفره هستند. این سفره اصلاً سفره حجت خدا است که گسترده است. خب این یک مطلب است که مطلب اساسی است. بعد از این مسأله نکته های خیلی جالب دیگری هم مطرح است که اینها را هم من همین جور اشاره وار خدمتتان عرض می کنم. یک مطلب این است که امام علیه الصلاة و السلام که دارای بالاخره آن ولایت تکوینی و اتصال به ساحت قدس الهی است و مرتبط با خزائن لطف حق است و کلیددار رحمت الهی است، خود وجودش رحمه للعالمین است، نسبت به مؤمنین حالا می آیم یک مرحله جلوتر، تا این جا ما گفتیم این مربوط به همه عالم بود، صالح و طالح و ظالم و عادل و فاسق و مؤمن و اینها نمی شناسد، همه سر این سفر هستند و از برکت وجود امام علیه السلام بهره مند هستند اما یک مرحله که بروید جلوتر کسانی هستند که اهل معرفت هستند، اهل ولایت هستند، به امام علیه السلام ایمان دارند و شناخت دارند، به این مرحله که شما وارد می شوید تعابیر جالبتری را به دست می آورید که حالا من یک چند نمونه اش را برای شما بگویم برای روشنایی دل تان خیلی فوق العاده است. یکی اش این است که اساساً ما به طور خاص یعنی جامعه مؤمنین، کسانی که به آن حضرت ایمان دارند، اهل ایمان هستند، اینها به طور خاص مورد عنایت و دعای حضرت علیه الصلاة و السلام هستند. یعنی آن تقسیم می که ما داریم، تقسیم در باب رحمت می گوئیم رحمت رحمانی و رحمت رحیمی، فیض عام و خاص، این جا همان بحث هم هست. آن دعای عمومی را حضرت دارند، به دعای آن حضرت است که خورشید و منظومه و زمین و آسمان و برکات و همه چیز برقرار است، این می شود آن رحمت عام. رحمه للعالمینی است. اما یک عنایت خاصی دارند نسبت به مؤمنین، یعنی کسانی که ارتباط قلبی، معرفتی، ایمانی و ولایی با حجت خدا دارند. اینها از یک خلاصه امکان ویژه ای بهره مند هستند. این هم در روایات ما از آن تعابیر خیلی زیبایی هست. از جمله این است که امام علیه الصلاة و السلام برای مؤمنین به طور خاص دعا می کنند، این جمله در توفیق شریفی است از خود حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نقل شده، حضرت فرمودند شما مگر توجه ندارید که دعای ما پشت سر شماست. خیلی تعبیر تعبیر قشنگی هم هست. «لَا نُنَا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالِدُّعَاءِ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» دعای ما پشت سر شماست. «فَلْتَطْمَئِنَّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا الْقُلُوبُ» دوستان ما باید دل شان آرام باشد. دعای ما پشت سرشان است. شنیدید دیگه از جناب سید بن طاووس نقل شده. خب سید بالاخره سید طائفه است. ما اگر چند تا چهره درخشان در بین بزرگان مان خواهیم از آن کسانی که قدر اول هستند معرفی کنیم یکی جناب سید بن طاووس است، خیلی دارای مطالب عالی عرفانی، معنوی علاوه بر فقهاتی و امثال اینها است. که حالا داستانهای فراوانی ایشان دارد. از جمله ایشان می گوید که من یک سحری سامرا مشرف بودم، یک سحری، در آن سحر خجسته و فرخنده می گوید من دعای امام عصر علیه السلام را که ایستاده بود به دعا شنیدم، «فحفظت من الدعاء» آن قسمت هایی از آن دعا را من حفظ کردم، از جمله این بود؛ سید بن طاووس می گوید دیدم امام علیه السلام برای زنده ها، برای کسانی که از دنیا رفتند به تفصیل دارد برای همه دعا می کند و از جمله فرمودند «احیهم فی عزنا و ملکنا و سلطاننا و دولتنا» بعد هم نوشته که این چه شبی بود، قشنگ تاریخ آن و اینها را هم نقل کرده. می دانید خیلی کم هستند ولی هستند کسانی که این فرخندگی و این خوشبختی برای آنها بوده که یا صدای حضرت را شنیدند، مناجات آن حضرت را شنیدند یا گاهی سیمای آن حضرت را زیارت کردند، این را من مستقل در یک بحثی اگر توفیق بود در جای خودش عرض خواهم کرد. بنابراین این دعا هست، پشت سر شماست دعای حضرت علیه الصلاة و السلام. از جمله این توفیق هم جالب است. ببینید امام علیه السلام کاملاً فرد فرد دوستان شان را با اسم و جزئیات و با خصوصیات و با سابقه و با لاحقه و با همه چیز

می‌شناسند. یعنی فرد شماها مورد عنایت حضرت هستید، در محیط توجه و لطف آن حضرت قرار دارید. در یکی از این توقیعات حضرت می‌فرمایند که به من... من مطلع شدم از این که بعضی از شماها گرفتار شک و تردید شدید در باره ما، بعد حضرت می‌فرمایند «فغمنا ذلک» این مسأله باعث ناراحتی من شد، یعنی این که من مطلع شدم که مثلاً بعضی از شماها گرفتار شک شدید. البته این ناراحتی من... بعد خود حضرت می‌فرمایند این ناراحتی من به خاطر خود ماها که نیست، به خاطر شما است و یک ادامه جالبی هم این روایت دارد که دیگه من از آن عبور می‌کنم. خب از این طرف حضرت برای شما دعا می‌کنند، از آن طرف هم آن کسی که واسطه اجابت دعاهای شما و خواسته‌های شما در پیشگاه خدای متعال باز خود حضرت است. آن کسی که به دعای شما آمین می‌گوید باز خود حجت خدا است. این هم باز یک سرفصل دیگری است. شما خواسته دارید، دعا دارید در پیشگاه خدای متعال، و خودتان می‌دانید این‌ها در دستگاه الهی توی محیط واسطه و شفاعت و وسیله است دیگه. و این می‌رود در محیط عنایت حجت خدا علیه السلام و لطف او شامل شما می‌شود، آمین می‌گویند این دعا به آسمان می‌رسد و الا می‌دانید دعاهای ما خیلی‌هایش جایی نمی‌رود دیگه. همین جا می‌خورد توی سر خودمان، ما محبوب هستیم واقعاً، مستور هستیم این قدر. آن که این پرده را کنار می‌زند و این دعا را آسمانی می‌کند در محیط اجابت قرار می‌دهد این آمین امام علیه السلام و خلاصه لطفی است که وجود نازنین آن حضرت دارند. این بحث همین جور ادامه دارد. سؤال چی بود؟ سؤال این بود که ما در عصر غیبت از وجود امام علیه السلام چه جوری بهره‌مند می‌شویم اگر دقت کنی همین الان نفس که داری می‌کشی از همان جاست، بهره‌هایی که می‌بری از همان جاست، ایمانی که داری از آن جاست، توجهی که به خدای متعال داری از آن جاست، توفیق نماز پیدا می‌کنی از آن جاست، توفیق بهره‌مندی از ولایت اولیاء را اگر داری، قلب شما اگر منور به نور ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است از آن جاست، همه‌اش به همان جا برمی‌گردد. گفت پس اصلاً مثل این که ما سؤال‌مان از اول اشتباهی بوده. خب یک نکته خیلی جالب در کلمات اولیاء خدا هست و آن نکته هم این است که انسان‌های مؤمن اگر در قلب خودشان نسبت به حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه یک کششی احساس می‌کنند یک میلی احساس می‌کنند، روشنایی احساس می‌کنند، معرفتی احساس می‌کنند، این هم باز نور امام است که به قلب دوستان‌شان اصابت کرده. یک روایت خیلی زیبایی هست این را هم به آن اشاره کنیم خوب است، این آقای ابوخالد کابلی است از شاگردهای درجه یک مکتب امام باقر علیه السلام آقای ابوخالد. خیلی فوق‌العاده است، چه روایات نابی هم از طریق ایشان ما داریم. از امام باقر علیه السلام ایشان نقل می‌کند می‌گوید که امام باقر علیه السلام فرمودند: «و الله» قسم خوردند. «يَا اَبَا خَالِدٍ! لِنُورِ الْاِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ اَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ» این است. خیلی روایت قشنگی است. فرمودند جناب ابوخالد! به خدا قسم، حضرت قسم خوردند، «و الله» نور امام در دل‌های مؤمنین از نور خورشید وسط روز روشن‌تر و درخشان‌تر است. این است. اگر این طرف شما یک مقدار به خودتان برسید، یک مقدار حواس‌تان به خودتان باشد، یک مقدار ساحت قلب خودتان را تمیز نگه دارید، می‌تابد نور امام علیه السلام بر دل‌های شما و حضرت تجلی می‌کنند چون مظهر نور السماوات و الارض امام علیه السلام است دیگه. می‌درخشد، فرمودند انور از نور خورشید وسط روز درخشان‌تر است. «هُمْ وَ اللّٰهُ يَنْوِرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ» فرمودند به خدا قسم، حجت‌های خدا امام علیه الصلاة و السلام، دل‌های مؤمنین را نورانی می‌کنند، درخشان می‌کنند. باز یک ادامه خیلی زیبایی دارد. فرمودند: «وَ اللّٰهُ» البته من همه حدیث را برای شما نخواندم. «يَا اَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهَّرَ اللّٰهُ قَلْبَهُ» فرمودند اگر کسی وارد در محیط محبت ما و ولایت ما بشود خدای متعال دل او را تمیز می‌کند، مظهر می‌کند. می‌رسد به آن مرحله‌ای که این دل و قلب او در برابر ما به مرحله تسلیم می‌رسد. «سلماً لنا» و اگر به آن جا رسید خداوند تبارک و تعالی چنین کسی را از دشواری‌ها و ناامنی‌های قیامت در امان قرار می‌دهد. این است. خب این دیگه اصلاً ربطی به ظاهر بودن امام ندارد. امام امام است، حجت خدا حجت خدا است، چه ظاهر باشد، چه غائب باشد، آن وقت انسان‌های مؤمن به لطف الهی به این مرحله از معرفت می‌رسند که این تفاوت دیگه برای آن‌ها اصلاً معنا ندارد.

یک روایت جالب دیگر برای شما بخوانم، حالا انسان‌های مؤمن از برکت دعای امام و عنایت امام و التفات امام علیه السلام دل‌هایشان به همدیگر الفت پیدا می‌کند. این هم باز خودش یک باب بسیار شیرینی است. یعنی اگر شما جایی دیدید انسان‌های مؤمن با همدیگر آلف هستند، انس دارند، مثل همین جمع ما، الان قلب من سرشار از محبت شما است، یعنی حس غریبی دارم، چقدر شما را دوست دارم، نمی‌دانم نمی‌توانم توصیف کنم. خب این از کجاست؟ من به چه دلیل باید شما را دوست داشته باشم؟ و احساس می‌کنم شما هم به شرح ایضاً، شما هم همین طور. ممنونم. خب این از کجاست؟ این که مؤمنین این قدر همدیگر را دوست دارند، حاضر هستند.. بالاتر از این‌ها، حاضر هستند برای همدیگر سرمایه‌گذاری کنند، حاضر هستند از جان‌شان، از آبروی‌شان برای همدیگر بگذارند، دیدید یک جاهایی، این‌ها از کجاست؟ «یؤلف به بین القلوب المختلفة» آن که این دل‌های متنوع و مختلف را با همدیگر متحد می‌کند ارتباط برقرار می‌کند، این همان نور ولایت است که می‌درخشد، این همان شعاع شمس ولایت است که الفت ایجاد می‌کند. چون الفت می‌دانی کار خود خدا است دیگه، «و لكن الله آلف» و این الفت از طریق امام علیه السلام است که جریان پیدا می‌کند این دوستی‌ها، اخوت و محبت بین مؤمنین. این هم یک نکته است. البته یک بابی را ما داریم و آن این است که بعضی‌ها در این میانه یک افتخار مضاعفی نصیب‌شان می‌شود حالا دیگه می‌رسند به یک نقطه‌ای که امام علیه الصلاة و السلام یک وقت‌هایی به طور خیلی خاص و ویژه بر آن‌ها جلوه می‌کند، این غیر از درخشش نور امام بر دل‌های مؤمنین است. پرده از مقابل چشم آن‌ها کنار زده می‌شود به تصرف حجت خدا و امام علیه السلام بر آن‌ها جلوه می‌کند، ولو این‌ها آدم‌های خیلی کمی هستند ولی این امکان یک چنین تشریفی هست، خوش به سعادت‌شان، بودند در بالاخره تاریخ غیبت کسانی که یک چنین افتخاری هم نصیب‌شان شد، البته آن‌هایی که این افتخار نصیب‌شان نشد، دیگه از خود بی‌خود می‌شوند. دیگه دل‌شان از آن‌ها می‌رود، من دیدم کسی که به یک چنین نقطه‌ای رسیده بود و قرار از کف او رفته بود، هیچ آرام و قرار نداشت، ما سه روز، یک وقت شاید برای دوستان گفتم، سه روز با همدیگر در اعتکاف حرم مطهر حضرت رضا علیه الصلاة و السلام بودیم، ماجرا مربوط به حوالی مثلاً سی و هشت، نه سال پیش است. در حرم مطهر بودیم، آن سه شب، این پیرمرد از اول تا آخری که ما با ایشان همراه بودیم توی این اعتکاف، اشک چشم او قطع نمی‌شد. مگر این که یک لحظه‌ای که خواب بود. حالا همین جور می‌بارید و ما بعداً با اصرار و با این‌ها متوجه شدیم چه اتفاقی برای او افتاده. یک لحظه این توفیق نصیب او شده بود. خب این هم هست دیگه، خوش به حال آن کسانی که یک چنین توفیقی هم نصیب‌شان می‌شود. در یک توفیق شریف دیگری هست فرمودند شما خیلی گرفتاری‌ها متوجه شما می‌شود، خیلی رنج‌ها، خیلی بلاها متوجه شما می‌شود ولی شما خبر ندارید قبل از این که این بلاها به شما برسد با دعای ما، با اشاره ما این‌ها از شما برطرف شده، ولی خب شما متوجه نمی‌شوید که. در آن توفیق مشهور جناب شیخ مفید شنیدید دیگه، حضرت میفرماید «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ» ما که شما را فراموش نمی‌کنیم که، ما که شما را مهمل رها نکردیم که، «وَ لَوْ لَا ذَلِكَ» اگر این نبود «لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمْ الْأَعْدَاءُ» اگر این نبود این دشمن‌ها ریشه شما را می‌کنند، یک نفر از شماها را زنده نمی‌گذاشتند، کیست که از شما حفاظت می‌کند؟ این هم از آن نکته‌های جالب دیگه است. شبیه این الی ماشاء... به نظرم دیگه رسیدیم به وقت نماز، من عرضم را با سرعت تمام کنم. یک فهرستی داریم البته خوش به حال آن‌هایی که حج مشرف شدند. حج بالاخره این جزء مواردی است که بشارت قطعی در آن وجود دارد که امام علیه الصلاة و السلام در موسم حضور دارد. در موسم حج حضور دارند. یعنی در عرفات که وقت مشخص هم دارد، آن وقت‌هایی که وقتش مشخص است دیگه خیلی خاص است، حالا در طواف، در سعی، آن جاها با جای خودش ولی در عرفات؛ زمان خاص، مکان خاص، در مشعر، در منا، عالمی است خلاصه. من از خدای متعال از عمق قلبم آرزو می‌کنم خدا روزی‌تان کند ان شاء الله حج تا در عرفات آن وقتی که قدم مبارک به آن صحراء می‌رسد و دل‌های مؤمنین به لرزه می‌افتد، آن زلزله‌ای که یک لحظه خاصی است می‌افتد به دل‌ها و بی‌قرار می‌کند آن را بچشید ان شاء الله. بله. خب این‌ها هم هست، بشارت‌هایی است که هست، این را هم خواستم یک اشاره‌ای داشته باشم. این جناب محمد بن عثمان که گفتم جلسه

پیش در باره ایشان از همین نواب خاص حضرت است «قال وَ اللَّهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ.» البته مردم حضرت را نمی‌شناسند ولی خب حضرت هستند و اگر حجتی هست به برکت وجود آن حضرت است.

عرض به محضران یک جمله‌ای هم به شماها بگویم که این از برکات مربوط به عصر غیبت است. منافعی و برکاتی متوجه کسانی است که این‌ها در عصر غیبت زندگی می‌کنند. خب بالاخره یک عده‌ای در عصر ظهور امام هستند. آن‌هایی که عصر امام صادق علیه السلام را درک کردند، دوران امیرالمؤمنین علیه السلام را درک کردند، ماها چی؟ یک فهرستی از برکات و منافع هست که این‌ها اختصاصی کسانی است که در عصر غیبت زندگی می‌کنند ولی چگونه زندگی می‌کنند؟ در عصر غیبت زندگی می‌کنند در حالی که به امام علیه السلام اعتقاد دارند و عارف نسبت به وجود مقدس آن حضرت هستند. این جا آقا یک روایاتی داریم شگفت‌انگیز، چه پادشاه‌هایی خدای متعال برای کسانی قرار داده که این‌ها در عصر غیبت زندگی می‌کنند، به خاطر صبرشان، به خاطر بصیرت‌شان، به خاطر معرفت‌شان، این هم خودش یک باب خیلی مفصلی است که من از آن عبور می‌کنم، این هم بشارت برای شماها است، خیلی بشارت است. از جمله مثلاً شما به خاطر حالت انتظاری که برای فرج حضرت دارید در این روزگار، جایگاه کسی که منتظر حضرت باشد، فرمودند مثل آن کسی است که در کنار پیامبر اعظم توی غزواتی که خود حضرت فرماندهی آن را به عهده دارد مبارزه می‌کند و می‌جنگد، این شرف شماها است، برای آن‌هایی که در عصر غیبت زندگی می‌کنند.

خب و اما نکته پایانی البته این مطلب ادامه دارد ولی خب حالا در حد آنچه که من می‌خواستم خدمت شما عرض کنم. نکته پایانی هم می‌شود در باب حالا ما عبور می‌کنیم از آن برکات باطنی عبور می‌کنیم، از هدایت باطنی، از دستگیری‌ها، تمام کسانی که در سیروسلوک به جایی رسیدند به عنایت حضرت رسیدند، بهجت‌ها، امام خمینی‌ها، شاه‌آبادی‌ها، بزرگان ما، قاضی‌ها، این‌هایی که اسم‌شان را شما گاهی می‌شنوید، این‌ها همه‌شان به دلالت حضرت و به عنایت حضرت رسیدند. هر چه هست همین است خلاصه. همه‌اش از همان طریق دارد اتفاق می‌افتد. شهدای عزیز ما اگر رسیدند به این درجات همه به دعای حضرت موفق شدند به آن شرف شهادت رسیدند، همه از این طریق رسیدند. اگر کسی به علم نافع رسید، به نوری رسید، به معنوبتی رسید، به برکت حضرت رسید، این‌ها همه به جای خودش، اما در باب هدایت ظاهری، این‌ها مربوط به هدایت باطنی است. اما در باب هدایت ظاهری هم ما یک سرفصل بسیار مهم داریم که این می‌شود نقطه سرخط و بحث جلسه آینده ما است. و آن این است که امام علیه الصلاة و السلام یک برنامه‌ریزی بسیار دقیق، گسترده، حساب شده، سازمان یافته و تحت قاعده و برنامه دارند برای هدایت ظاهری امت در عصر غیبت. ما یک نمونه‌اش را در باره غیبت صغری گفتیم از طریق نصب نواب بود دیگه، آن نواب اربعه، خب این‌ها را چه کسی معین کرد، امام علیه السلام معرفی کردند، بعد از طریق آن‌ها، جریان هدایت ظاهری و عمومی انجام شد. این قضیه برای عصر غیبت؛ غیبت تام و غیبت کبری به وسیله نواب عام طراحی شده و این شبکه و کالت و کفالت است که ان شاء الله بحث بسیار شیرین و حیاتی و اساسی جلسه آینده ما است که حالا ما جلوه ویژه آن را امروز در عنوان ولایت فقیه داریم. این آن سازمانی است که امام علیه الصلاة و السلام به وجود آورده برای این که نقش‌های هدایت عمومی و ظاهری اولیاء خدا هم و امام علیه السلام هم جریان داشته باشد در زندگی دوستان‌شان. این مختصری در باب برکات امام علیه الصلاة و السلام در عصر غیبت، پیرو آن سؤالی که بعضی پرسیده بودند وقتی گفته شد که روزگاری خواهد رسید که حجت خدا غائب است این سؤال مطرح شد خب پس ما چه جوری از وجودشان بهره‌مند می‌شویم. چند جمله‌اش بود، این ادامه دارد این نکته‌ها، این قدر نکته‌های شیرین و لطیف این جا هست ولی من بعضی از نکته‌های اساسی‌تر آن را خدمت عزیزانم عرض کردم.

امیدوارم ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی به جمع ما این توفیق را بدهد که ما جزو آن کسانی باشیم که عالی‌ترین بهره‌ها را از هدایت باطنی و ظاهری از الطاف و عنایات و دعاهای حضرت حجّه بن الحسن المهدی علیه الصلاة و السلام خواهیم داشت ان شاء الله. ما هم برسیم، هم رتبه بشویم با کسانی که غیبت و ظهور برای آن‌ها تفاوتی ندارد. در بیان امام سجاد علیه السلام هست. حضرت فرمودند یک جمعی از دوستان ما به یک مرحله‌ای از معرفت می‌رسند که در نگاه آن‌ها فرقی بین ظهور و غیبت وجود ندارد. این جوری است. استادمان حضرت آیت‌الله بهجت اعلی الله مقامه الشریف یک روز در درس می‌فرمودند آقایان طلبه‌ها توجه دارید دیگه، من که الان دارم صحبت می‌کنم قبل از این که... ببینید این معرفت. قبل از این که صدای من به خودم برسد، می‌دانید اولین کسی که دریافت کننده صوت شما است، خودتان هستید دیگه. قبل از این که صدای من، الان این جمله‌ای که دارم می‌گویم به من برسد به حضرت می‌رسد. این ببینید این چقدر، سطح معرفت را ببینید که دیگه چنین احساسی داشته باشد، چه حال خوشی دارد، چه آرامشی دارد، چه قوت قلبی دارد، چه اطمینان خاطری دارد، چه امیدی دارد، چه مراقبه‌ای دارد، چه معنویتی دارد، چه روشنایی دارد، این است. این را در این جلسه نورانی و در آستانه عید الله الاکبر به عنوان یک عیدی بزرگ، چون گفتند در محضر کریم شما باید خواسته‌هایتان بزرگ باشد دیگه. از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهم که یک چنین توفیق بزرگی را نصیب جمع ما و برای همه دوستان‌شان قرار بدهد ان شاء الله و امیدواریم این امتحانی هم که پیش رو هست و شما قبل از این با آقای آقایی در باره‌اش یک مقدار گفتگو کردید ان شاء الله این امتحان هم به سلامت برگزار بشود، ان شاء الله به هدایت و عنایت خود حضرت علیه الصلاة و السلام ان شاء الله در این امتحان ما و شما و مردم و امت‌مان ان شاء الله سربلند باشند. هم انتخابات ان شاء الله قوی و پرشمار از جهت شرکت کننده، هم با کیفیت ان شاء الله، نتیجه‌اش ان شاء الله باعث روشنی چشم امام و امت باشد ان شاء الله به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

پایان.